

نشست نوآوران و نوآوری‌های پس از صدرالمتألهین در حکمت صدرایی

آیت الله شیخ علی رضایی تهرانی

دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی

۱۳۸۹/۰۷/۲۹ هجری شمسی

۱۴۳۱/۱۱/۱۳ هجری قمری

مقدمه

بدون شک حکمت متعالیه که برآمده از مکاشفات عقلی و قلبی صدرالمتألهین است، دگرگونی شگرفی در تاریخ اندیشه و تفکر اسلامی پدید آورد و سبکی جدید را با تفاوت بسیار در روش، ساختار، مبادی و نتایج نسبت به دو گرایش مشایی و اشراقی پایه گذارد. آنچه ملاصدرا در حوزه فلسفه اسلامی عرضه کرد دگرگونی و تحولی عمیق بود که مصداق آشکار نوآوری و ایجاد بسترهای نوین در سیر تطور اندیشه بشری است.

از هنگام تحصیل در رشته فلسفه در حوزه علمیه قم این موضوع ذهن حقیر را به خود جلب کرد که آیا می‌توانیم چیزی با عنوان نوآوری‌های پس از صدرا در حکمت صدرایی در نظر گرفت و بر اساس آن گامی بلند در تأسیس مکتب فلسفی نوینی برداریم؟

در نخستین گام بنده این دغدغه را خدمت حضرت استاد جوادی آملی مطرح کردم. تقاضای بنده این بود که باتوجه به تبحر ایشان در حکمت صدرا و نوآوری‌های پس از حکمت صدرا در فلسفه و حکمت به دنبال تأسیس مکتب فلسفی نوینی باشیم. ایشان در پاسخ فرمودند: زمانی که طلبه جوانی بودیم چنین مطلبی در جلسه با حضور شهید بهشتی، شهید قدوسی و برخی دیگر از بزرگان در ارتباط با علم اصول مطرح شد. در آن جلسه عنوان شد که نظام آموزشی علم اصول، نظام نادرستی است؛ زیرا مبتنی بر آن طلبه ابتدا معالم خوانده و مجموعه‌ای از آموزه‌ها را فرامی‌گیرد که بسیاری از آنها ابطال شده است. طلبه سپس قوانین می‌خواند که بسیاری از مطالب آن علاوه بر اینکه ابطال‌کننده آموزه‌های معالم است توسط صاحب فصول در فصول ابطال شده است و در مرحله بعد رسائل را می‌آموزد و در علم اصول مطالبی را فرامی‌گیرد که بعضاً در کتاب کفایة‌الاصول یا تقریرات درس خارج رد شده است.

در آنجا مرحوم بهشتی پیشنهاد دادند اصول را در سه سطح مقدماتی، متوسط و خارج اصول بنویسیم؛ اما در همه این سطوح آخرین دستاوردهای علم اصول را مبنا قرار دهیم. به گفته استاد جوادی آملی: این مطلب در مورد علم اصول مورد اجماع نظر بود؛ اما در ارتباط با علم فلسفه اینکه بر اساس نوآوری‌های فلسفی پس از صدرا سیستم یا مکتب فلسفی نوینی را بنا کنیم، مورد تردید است. این مطلب نشان می‌دهد حضرت استاد جوادی آملی کار را کاری دشوار می‌بینند.

۱ بخش اول، چیستی و چگونگی نوآوری‌های فلسفی پس از صدرا

در شروع بحث لازم است چند نکته را به صورت خلاصه عرض کنم؛

۱.۱ کند بودن روند رشد و رواج یک نظریه

نکته اول این است که متأسفانه در حوزه سنت و بدعتی دیرینه وجود دارد که تا به امروز نیز باقی مانده است که بر اساس آن سیر به کرسی نشستن نظریات نوین حتی اگر درست و قابل دفاع باشد، بسیار کند است. مثلاً علامه طباطبایی نوآوری را مطرح می‌کنند و مورد پذیرش همه بزرگان قرار می‌گیرد؛ اما این نوآوری در سطح آموزش و یادگیری ارائه نمی‌شود. این رویکرد در همه علوم اسلامی؛ اعم از فقه، فلسفه، اصول و کلام وجود دارد.

۲.۱ امکان تأسیس نظام نوین فلسفی

به عقیده بنده با در نظر گرفتن چند گزینه امکان تأسیس یک نظام نوین فلسفی وجود دارد:

۱. آخرین دستاوردها و نظریات صدرالمتألهین؛
۲. استفاده از تأثیرات نظرات نوین صدرایی بر سیستم صدرایی؛ توضیح اینکه در حکمت صدرایی از آخرین نظریات صدرایی استفاده نشده یا به صورت ناقص این اتفاق افتاده است.
۳. نوآوری‌های پس از صدرالمتألهین؛
۴. دستاوردهای نوین علم جدید؛
۵. دستاوردهای نوین معرفت‌شناسان در مباحث معرفت‌شناسی و اصولیون در برخی مباحث اصولی.

۳.۱ روند بررسی نوآوری‌های پس از صدرا

برای بررسی نوآوری‌های پس از صدرا باید مراحل را مورد دقت قرار دهیم؛

۱.۳.۱ مرحله نخست، فهرست حکمای نوآور

در ابتدا باید تمامی حکمای پس از صدرا را فهرست کنیم تا جایی که بنده اطلاع دارم، این کار تا به حال در جایی انجام نشده است؛ هر چند تلاش‌هایی توسط سید جلال‌الدین آشتیانی، سید حسین نصر ۱ و... انجام گرفته؛ اما هیچ یک کامل و جامع نبوده است.

۲.۳.۱ مرحله دوم، رعایت ترتیب تاریخی

در مرحله دوم باید فهرست حکمایی را که به دست آورده‌ایم بر اساس تاریخ مرتب کنیم تا به این روش سیر تاریخی نوآوری‌ها و فرآیند اخذ و اقتباس‌ها به دقت قابل بررسی باشد.

۳.۳.۱ مرحله سوم، احیای آثار حکیمان

در این مرحله باید آثار حکمایی را که فهرست کرده‌ایم به دست آوریم. متأسفانه برخی از این آثار جزو مایملک شخصی افرادی است که هیچ تقصیری به ارزش علمی آن نیز ندارند؛ بنابراین باید به دنبال این باشیم که تراش فلسفی خود را احیاء کنیم.

۴.۳.۱ مرحله چهارم، کشف نکات نوین

در این مرحله باید آثار به دست آمده را با نگاه کشف نکات نوین و بررسی نوآوری‌ها مورد توجه قرار دهیم.

۵.۳.۱ مرحله پنجم، بررسی میزان تأثیر نوآوری‌ها بر سیر مباحث فلسفی

در مرحله بعد که شاید سخت‌ترین مرحله کار نیز باشد باید میزان اثرگذاری هر یک از این نوآوری‌ها و نکات نوین بر سیر مباحث فلسفی مشخص گردد. فلسفه سیستمی کاملاً به هم پیوسته است و این گونه نیست که اگر بخشی از آن دستخوش تغییر شود، بقیه بخش‌ها ثابت و بدون تغییر بماند.

۶.۳.۱ مرحله ششم، نگاه جامع به مجموعه نوآوری‌ها

در مرحله پایانی باید پس از اینکه نوآوری‌ها استخراج شده و میزان اثرگذاری هر یک بر مجموعه فلسفه نیز مشخص شد مجموعه این نوآوری‌ها و تأثیرات آنها را در کنار هم و در مقایسه با محصول حکمت موجود بسنجیم.

۴.۱ تأثیر بحث وجود مستقل و رابط بر فلسفه

بنده یک یا دو نکته کلی عرض می‌کنم و سپس مصداقی وارد بحث می‌شوم. حضرت استاد فیاضی معتقد بودند: اگر بحث وجود رابط و مستقل و آثارش در حکمت متعالیه به‌درستی مورد عنایت قرار گیرد هفتاد درصد چهره آن تغییر خواهد کرد.

وجود رابط همان‌طور که در بحث وجود رابط و مستقل می‌گوییم؛ وجود فی‌غیره است که هیچ‌گونه نفسیت و استقلال ندارد و لذا از آن نمی‌توان ماهیت انتزاع کرد و برهان آن نیز واضح است؛ می‌گوییم: «المَاهِيَةُ مَا يُقَالُ فِي جَوَابِ مَا هُوَ وَمَا يُقَالُ يَعْنِي مَا يَحْمَلُ.»

پس ماهیت دارای وجود محمولی است و وجود رابط، وجود محمولی ندارد؛ بنابراین وجود رابط نه ماهیت است و نه ماهیت از آن انتزاع می‌گردد.

از سوی دیگر در حکمت متعالیه می‌گوییم بر اساس نظریه درست علیت، علیت منحصر در خداوند تعالی است. تنها خداوند علت است و ما سوی الله معلول هستیم و معلول نیز بر اساس امکان فقری چیزی جز وجود رابط نیست. با پذیرش این نظریه ماهیت دیگر در فلسفه اسلامی جایی نخواهد داشت؛ زیرا خداوند وجود نامحدود است و بنابراین ماهیت در موردش معنا ندارد، ما سوی الله نیز وجود رابط است که ماهیتی ندارد این‌گونه مرحله خامس در ماهیت، مرحله سادس در جوهر و عرض، بحث مواد ثلاث، امکان ماهوی و بحث‌هایی از این قبیل همگی خودبه‌خود یا حذف خواهند شد یا چهره جدیدی به خود خواهند گرفت.

۵.۱ رد اتهام رکود فلسفه اسلامی پس از صدر

یکی از اتهاماتی که پیوسته به فلسفه اسلامی زده شده این است که حکمت اسلامی پس از صدر با خفتگی و بلکه مردگی دچار شده است. در چالش دیگری عنوان کرده‌اند که حکمت صدرایی، حکمتی انتزاعی و درون‌گرا است، حکمتی است که به درد توده مردم و زندگی اجتماعی ایشان نمی‌خورد. پیشتر این موضوع را با عنوان «تأثیر حکمت صدرایی بر حیات اعتقادی و رفتاری انسان» در دفتر تبلیغات اسلامی شهر مشهد مقدس طرح و بحث کرده‌ایم که مباحث آن نیز موجود است؛ بنابراین در اینجا به آن نمی‌پردازیم و تنها اتهام نخست را در نظر می‌گیریم.

یکی از علل اصلی طرح این بحث این بوده که مسئله نوآوری‌های پس از صدر به‌طور جدی مورد ملاحظه قرار نگرفته است. یعنی آن‌مراحلی که پیش‌تر عرض کردم به‌دقت بررسی نشده و همین مسئله این اشکال را در اذهان به وجود آورده است.

۶.۱ سیر رشد حکمت صدرایی پس از صدر

عده‌ای معتقد هستند زمان زیادی سپری شد تا حکمت صدرایی در حوزه‌ها مطرح گردد. به نظر می‌رسد این نظر درست نیست و حکمت صدرایی اثرات خود را از همان زمان تأسیس نشان داد. دلیل اصلی این امر این است که پیش از صدرالمآلهین حکمت رایج در میان حوزه‌ها حکمت مشاء بود حکمت اشراق تلنگرهایی ایجاد کرد؛ اما هیبت حکمت مشاء را از بین نبرد و همه بزرگان تفکر مشایی داشتند؛ لذا هنگامی که اساتید ملاصدرا مانند میرفندرسکی را ملاحظه کنید، می‌بینید حکیمی مشایی است. در واقع اگر تاریخ‌نگرانه نگاه کنیم، میرفندرسکی ۲ با اینکه عارف به عرفان عملی است؛ اما در مقام حکمت، اندیشه مشایی دارد.

۱.۶.۱ تأثیر حکمت صدرایی بر حکمای پس از آن

اولین اثرگذاری حکمت صدرایی بر روی شخصیت شاگردان و دامادهای مرحوم صدرالمآلهین است که این تأثیر بر روی فیض ۳ بیشتر از فیاض ۴ بوده است. مرحوم فیض ده سال شاگرد ملاصدرا بوده است. همین نشانه بزرگی و عظمت ملاصدرا است؛ زیرا معمولاً شاگرد به مقدار استعداد، حافظه و قدرت ذهنی خود نزد استاد، شاگردی می‌کند. مثلاً شیخ انصاری (ره) تنها چهار سال نزد مرحوم نراقی (ره) شاگردی کرد؛ هنگام ترک استاد نیز مرحوم نراقی (ره) می‌فرماید: آنچه من از این شاگرد آموختم بیشتر از مقداری بود که او از من یاد گرفت؛

بنابراین شاگردی ده‌ساله و شخصیتی مانند فیض که به حق نابغه است و به عقیده علامه طباطبایی (ره) در میان علمای اسلامی بی‌نظیر است، عظمت صدرالمتألهین را نشان می‌دهد. بعد از این دوره فترتی به وجود آمد و پس از آن حکمت صدرایی رشد کرد. نوآوران پس از صدرا فراوان هستند؛ اما همه در یک سطح نیستند. به اعتقاد بنده افرادی که نام می‌برم از نظر نوآوری جایگاه بالایی دارند: مرحوم آقا علی مدرس ۵ مشهور به «آقا علی مؤسس» صاحب بدایع الحکم، مرحوم حاجی سبزواری، مرحوم علامه طباطبایی، حضرت استاد جوادی آملی و حضرت استاد غلامرضا فیاضی تقریباً به اتفاق آراء، مقدم نوآوران پس از صدرا، آقا علی مدرس پسر ملا عبدالله زنوزی است که نوآوری‌هایی متعدد و پخته دارد.

۲ بخش دوم، بررسی اقسام نوآوری‌های پس از صدرا

اصولاً نوآوری‌های پس از صدرا در چند لایه قابل بررسی است؛

۱.۲ ایجاد مبحث و فصلی نوین

نخستین لایه ایجاد مبحث و فصلی نوین در فلسفه است نظیر نوآوری مرحوم علامه طباطبایی در بحث اعتباریات ۶ مرحوم علامه در مقاله ششم روش رئالیسم فصلی جدید در اعتباریات گشودند که حضرت استاد جوادی آملی اخیراً با پیشنهادی که در مجمع عالی حکمت قم عنوان کردند آن را به کمال رساندند. ایشان فرمودند که زمان آن فرارسیده است که در فلسفه این تقسیم را مطرح کنیم که «الموجود إما حقیقی و إما اعتباری» چنین تقسیمی در منظومه و بدایه‌الحکمه و نهایت‌الحکمه هرگز وجود ندارد. البته ذیل بحث معقول ثانی از اعتباریات بحث می‌شود؛ اما چنین تقسیمی با این صراحت وجود ندارد. خود اعتباریات نیز بحث‌های مختلفی دارد؛ مانند اعتباریات قبل الاجتماع، بعد الاجتماع، فلسفی، غیرفلسفی، منشأ اعتبار، هدف از اعتبار، واقعیت اعتبار و ربط حقیقت و اعتبار.

۲.۲ ارائه نظریه مبنایی و اثرگذار

لایه دیگر در بحث نوآوری ارائه یک نظریه مبنایی است به نحوی که در تمام فلسفه اثرگذار باشد. مانند نظریه اصالت وجود و ماهیت استاد فیاضی که عرض کردم اگر به کرسی بنشیند چهره فلسفه را تا حد زیادی دگرگون می‌کند.

۳.۲ تغییر عنوان یک فصل

لایه سوم تغییر عنوان یک فصل است؛ به گونه‌ای که به تغییر ماهیت بحث مطرح شده در آن بینجامد. مانند کاری که علامه طباطبایی در بحث اعاده معدوم کردند. عنوان اصلی بحث امتناع اعاده معدوم است؛ اما علامه این عنوان را به «لاتکرر فی الوجود»^۷ تغییر می‌دهند که همین تغییر عنوان نیز بحث را وارد فضایی جدید می‌کند و بحث را از مباحث علمی فلسفه که استطرادی می‌دانند به مباحث وجودی و اصلی فلسفه می‌کشاند.

۴.۲ نوآوری در تقریر محل بحث

آقا علی حکیم در بدایع در تقریر محل بحث اصالت وجود و ماهیت نوآوری به کار می‌برند. ایشان اول بحث حصص را مطرح می‌کنند و پس از تقریر بحث حصه، بحث فرد را عنوان می‌نمایند. یعنی یکباره و بدون مقدمه وارد بحث اصلی نمی‌شوند.

۵.۲ نوآوری در کیفیت ارائه یک بحث

لایه پنجم نوآوری در کیفیت ارائه یک بحث است؛ مانند تلاش استاد شهید مطهری در بحث وجود ذهنی؛ پیش‌تر بحث وجود ذهنی را چنین مطرح می‌کردند که آنچه در خارج است، همان چیزی است که در ذهن است. این بیان ایجاد مشکل می‌کرد؛ اما شهید مطهری می‌فرمایند این را برعکس کن ۸ یعنی مثلاً خاک ذهنی نشان‌دهنده خاک خارجی است و نه آب خارجی. یکی دیگر از کسانی که در این زمینه موفق بوده‌اند حضرت استاد عبودیت است. به نظر بنده بهترین تقریر در بحث اصالت وجود تقریر ایشان است ۹. ایشان بحث اصالت وجود را به شیوه‌ای کاملاً نوین یعنی شیوه پرسش و پاسخ ارائه کرده‌اند به نحوی که انسان در طی این گفتمان ناخودآگاه و بدون استفاده از براهین و استدلال‌های سنتی اصالت وجودی می‌شود.

۶.۲ نوآوری در ارائه دلیل و برهانی جدید

بنده بارها عرض کرده‌ام برای درک دشواری و ارزش فلسفه کافی است شخصی تلاش کند برهانی به مجموعه براهینی که در فلسفه اسلامی داریم اضافه کند. این خودش یک نوآوری باارزش و بزرگ است مانند برهان آقا علی حکیم در بحث اصالت وجود که از راه جعل، اصالت وجود را اثبات کرده‌اند که انصافاً برهانی قوی و زیبا است.^{۱۰} گمان می‌کنم اگر تنها براهینی را که پس از ملاصدرا بر مطالب و مباحث مختلف ایراد شده‌اند جمع‌آوری کنیم، رقم بزرگی خواهد بود که البته چون در آثار صدرا ذکر نشده‌اند کسی به‌درستی از آنها اطلاع ندارد.

۷.۲ ایراد نقدی جدید بر یک برهان یا ادعا

از باب نمونه یکی از نوآوری‌های مرحوم علامه طباطبایی این است که معتقد بودند برخلاف تصور فلاسفه پیشین ما قضیه "موجبة سالبة المحمول" نداریم^{۱۱}. همان زمان آقای مهدی حائری یزدی بر سر وجود چنین قضیه‌ای با علامه مباحثه کردند که استاد جوادی املی در تقریر مباحث خود در اسفار در نقد گفته‌های آقای حائری دو اشکال دیگر نیز بر وجود قضیه "موجبة سالبة المحمول" افزودند.

۳ بخش سوم، بررسی مصادیقی از نوآوری‌ها پس از فلسفه صدر

اصولاً نوآوری مقوله عجیب‌وغریبی نیست! هرگونه نظریه‌پردازی و نظر نو که همراه با اقامه برهان و استدلال باشد مصداق نوآوری است؛ مانند نظریه آقای فیاضی که برخلاف باور قدما - که معتقد بودند مجردات ثابتات بالفعل هستند و تغییر و تبدل و حرکت در آنها راه ندارد؛ معتقدند در مجردات تغییر و حرکت وجود دارد و برای این نظر خود نیز براهینی اقامه می‌کنند.

در این بخش چون وقت محدود است بنده به صورت فهرست‌وار به برخی از مهم‌ترین نوآوری‌ها اشاره می‌کنم.

۱.۳ نوآوری‌های آقا علی حکیم

۱.۱.۳ نظر آقا علی حکیم در معاد جسمانی

نظر مشهور آقا علی حکیم در معاد ۱۲ که در رساله مستقلی با عنوان "سبیل‌الرشاد فی إثبات المعاد" ذکر می‌شود نظریه بکری و تازه‌ای است که بزرگانی چون مرحوم کمپانی (ره) و مرحوم علامه طباطبایی (ره) را جذب خود می‌کند. به طور خلاصه ایشان نه مثل اشاعره و تفکیکی‌ها و نه عوام مردم معاد را در رجوع به دنیا می‌دانند که مسلماً نظریه کاملاً باطلی است و نه مانند صدرالمتألهین معتقدند معاد با بدن مثالی است و نه بدن عنصری و مادی! به نظر ایشان بدن همان بدن عنصری است؛ اما این روح نیست که در آن عالم به بدن مراجعه می‌کند؛ بلکه بدن به سمت روح بالا رفته و سیر تعالی را می‌پیماید و به آن می‌پیوندد.

ایشان اصل این نظر را از روایتی از امام صادق علیه‌السلام گرفته‌اند: «ثُمَّ يَنْتَقِلُ الْبَدَنُ إِلَى حَيْثُ الرُّوحِ ۱۳»، بدن منتقل می‌شود به جایگاه روح.

به اعتقاد ایشان نفس و بدن با یکدیگر ارتباطی دوطرفه دارند و بدن جزئی از هویت انسان است. بعد از مرگ نفس به جایگاه خود رفته و به تجرد می‌رسد؛ اما بدن به کمال خود نرسیده است؛ چرا که کمال بدن در همراهی با نفس در همه نشئات آن است و اگر در قیامت بدن با نفس همراه نگردد به کمال لایق خود نخواهد رسید؛ لذا به اذن خداوند در یک حرکت جوهری بدن تعالی یافته و با نفس متحد می‌گردد. البته بدنی که حرکت جوهری کرده غیر از آن بدنی است که حرکت جوهری را انجام نداده است همچنان که مثلاً بدن هشتاد سالگی غیر از بدن سی سالگی انسان است؛ یعنی همان‌طور که بدن در این عالم تطور دارد، این تطور و حرکت جوهری ادامه یافته و بدن لطیف‌تر می‌شود البته نه اینکه جسم مثالی گردد؛ بلکه تاحدی که بتواند در روز قیامت با نفس انسانی متحد گردد؛ بنابراین هیچگاه تعلق بدن به نفس به طور کامل از بین نمی‌رود.

در روایتی هم که ایشان از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند امام می‌فرمایند: «وَإِنَّ تُرَابَ الرُّوحَانِيِّنَ بِمَنْزِلَةِ الذَّهَبِ فِي التُّرَابِ ۱۴» بدن مؤمنین در میان عالم خاک و ماده مانند رگه‌های طلا در میان سنگ‌ها است.

همان‌طور که یک کوه اجزای فراوانی دارد و آن رگه طلا رگه‌ای کانی و به هم پیوسته در میان آن است، عالم ماده نیز اجزاء فراوانی دارد؛ اما عناصر و اجزاء مادی ما پس از مرگ مانند آن رگه طلا که در کوه باقی است به علم الهی محفوظ می‌ماند و تعلق بدن قطع نمی‌شود. همین نیز سبب می‌گردد بدن طی یک حرکت و تکامل جوهری به سمت نفس کشیده شده و با آن متحد شود.

۲.۱.۳ لایته بودن گزاره‌هایی که موضوعشان ماهیت است

نوآوری دیگر آقا علی حکیم این است که ایشان معتقد هستند تمام گزاره‌هایی که موضوعش ماهیت است گزاره لایته ۱۵ یا گزاره مفروض است. یعنی همان‌طور که قضایایی مانند شریک‌الباری ممتنع یا اجتماع نقیضین محال است، قضیه لایته هستند؛ گزاره‌هایی که موضوع آنها آب، خاک، طلا و... باشد نیز گزاره‌های لایته هستند. این نوآوری ریشه در یک نوآوری دیگر مرحوم آقا علی حکیم دارد و آن اینکه نسبت میان غنای واجب و فقر ممکن، عدم و ملکه نیست بلکه نسبت سلب و ایجاب است. یعنی ممکن فقیری نیست که بتواند بالغیر غنی شود؛ بلکه نسبت، نسبت سلب و ایجاب است ۱۶.

۲.۳ نوآوری‌های مرحوم علامه طباطبایی (ره)

۱.۲.۳ بحث اعتباریات

در مباحث پیشین گفتیم که ایشان فصل و بخشی جدید را در فلسفه گشودند تحت عنوان «الموجود إما حقیقی و إما اعتباری».

۲.۲.۳ اثبات واجب به عنوان اولین مسئله فلسفه

مرحوم علامه طباطبایی (ره) معتقدند اولین مسئله فلسفه اثبات واجب است. قداما الهیات را به دو بخش تقسیم می‌کردند؛ الهیات بالمعنی الاعم و الهیات بالمعنی الاخص؛ بالمعنی الاخص بعد از بالمعنی الاعم ذکر می‌شد؛ چون قداما معتقد بودند الهیات بالمعنی الاخص، مقدماتی دارد که باید در ابتدا آموخته شوند؛ مانند بحث مواد ثلاث، علت و معلول، حرکت، زمان و...؛ اما مرحوم علامه فرمودند: مسئله اثبات واجب نخستین مسئله فلسفه است. توضیح اینکه شروع فلسفه یعنی نفی سفسطه و پذیرش اینکه واقعیتی وجود دارد. واقعیت بما هی واقعیت، لا واقعیت نمی‌شود. این یعنی ضرورت ازلی اگر کسی پذیرفت واقعیتی وجود دارد، وجود آن به ضرورت ازلی است؛ چون گزاره‌ای است که اثبات آن، نفی آن، رد آن، تشکیک در آن و نقد آن همه اثبات آن است؛ یعنی چیزی است که با فرض عدم او وجودش لازم می‌آید. این همان ضرورت ازلی است که در فلسفه ضرورت ذاتی می‌نامیم ۱۷.

۳.۲.۳ دو قسم بودن اقسام علم حصولی

از دیگر نوآوری‌های مرحوم علامه طباطبایی این است که ایشان اقسام علم حصولی را برخلاف نظر رایج که آن را به سه قسم تقسیم می‌کنند، دو قسم می‌دانند: ادراک یا ادراک عقلی است یا خیالی؛ چرا که فاصله بین ادراک حسی و خیالی را از بین می‌برند. تفاوت ادراک حسی و خیالی چیست؟ ادراک حسی حضور مادی شیء در راستای حاسه انسان است؛ اما ادراک خیالی ادراک تصویر آن شیء در ذهن مدرک پس از غیبت آن است. علامه می‌فرماید حضور ماده و عدم حضور ماده نقشی در حقیقت ادراک ندارد؛ از این رو اقسام علم حصولی را دو قسم می‌دانند و به تبع حقیقت عوالم هم به دو عالم تقلیل می‌یابد ۱۸.

۴.۲.۳ رد قضیه «موجبه سالبة المحمول»

نوآوری دیگر ایشان این است که قضیه «موجبه سالبة المحمول» را نمی‌پذیرد.

۵.۲.۳ وجود معقول ثانی فلسفی در خارج

دیگر اینکه ایشان اثبات کردند معقول ثانی فلسفی مانند معقول اول در خارج موجود است. قداما معتقد بودند معقول ثانی منطقی عروض و اتصافش در ذهن است. معقول اول عروض و اتصافش در خارج است معقول ثانی فلسفی عروضش در ذهن است و اتصافش در خارج اما علامه طباطبایی می‌فرماید وجود رابط در هر طرفی هست و وجود طرفینش نیز باید مسانخ با او باشد. اگر وجود رابط در معقول ثانی فلسفی در خارج است نمی‌شود وجود محمولی آن در ذهن باشد. چنین مطلبی تنها در جلد اول اسفار در کلمات صدرالمتألهین آمده است که مرحوم علامه طباطبایی این موضوع را کشف کرده و آن را بسط و گسترش داده‌اند ۱۹.

۳.۳ نوآوری‌های استاد جوادی آملی (حفظه الله تعالی)

۱.۳.۳ معقول اول بودن مفهوم وجود

استاد جوادی آملی معتقدند اگر ما اصالت وجود را به درستی تقریر کنیم، باید بگوییم مفهوم وجود معقول اول و ماهیت معقول ثانی است.

۲.۳.۳ معقول ثانی بودن امکان

به اعتقاد استاد جوادی آملی اگر ما اصالت وجود را به درستی تقریر کنیم، باید بگوییم برخلاف اعتقاد قدما، امکان، معقول ثانی منطقی است و نه معقول ثانی فلسفی؛ طبق نظریه اصالت وجود در خارج هیچ عین و اثری از ماهیت نیست و چیزی که عروض و اتصافش در ذهن باشد، معقول ثانی منطقی است. امکان نیز وصف ماهیت است و اگر بر اساس تقریر دقیق و درست اصالت وجود جایگاه ماهیت تنها در ذهن باشد پس امکان نیز معقول ثانی منطقی خواهد بود.

۳.۳.۳ منطقی نبودن براهین مبتنی بر حساب احتمالات

استاد جوادی آملی معتقد هستند هر براهانی که مبتنی بر حساب احتمالات باشد، برهان منطقی نیست؛ چون حساب احتمالات هیچگاه طرف مرجوح را به صفر نمی‌رساند و در منطق تا طرف مرجوح به صفر نرسد یقین منطقی حاصل نمی‌گردد.

۴.۳ نوآوری‌های استاد فیاضی (حفظه الله تعالی)

۱.۴.۳ بحث اصالت وجود

مهم‌ترین نظریه استاد فیاضی نوآوری ایشان در اصالت وجود و ماهیت است که تنها کشف ۲۰ جناب آقای عبودیت کمی آن را تحت الشعاع قرار داد و آن اینکه وجود در کلمات صدرالمتألهین دو اطلاق دارد گاهی موجود گفته می‌شود به معنای چیزی که ملاً خارج را پر کرده است و گاهی موجود گفته می‌شود به معنای چیزی که بر خارج منطبق و صادق است اگرچه ملاً خارج را پر نکرده است و موجود بودن ماهیت در کلمات صدرالمتألهین به این معنای دوم است ۲۱.

۲.۴.۳ تبیین هفت معنا برای ترجیح بلامرجح

از دیگر نوآوری‌های استاد فیاضی تبیین هفت اطلاق و معنا برای ترجیح بلامرجح است و بحث اینکه آیا همه این هفت معنا محال است و اگر همه محال نیست کدام ممکن است و کدام محال؟

پرسش و پاسخ

سؤال: شما در خصوص اینکه برخی فلاسفه در بحث محتوا و تقریر مباحث نوآوری داشته‌اند، شهید مطهری (ره) را مطرح کردید. آیا ایشان در سایر زمینه‌ها نوآوری ندارند؟

پاسخ: نوآوری‌های مرحوم مطهری به نظر بنده به سبب تقریر مطالب ایشان است که خود را نشان می‌دهد. به عقیده بنده اگر بخواهیم روزی تاریخ فلسفه را با توجه به نوع نگارش آثار تقسیم‌بندی کنیم به پیش از نگارش روش رئالیسم و پس از آن تقسیم می‌شود. یعنی انصافاً نخستین کسی که در جهان اسلام فلسفه عرشی را فرشی کرد مرحوم شهید مطهری بود. البته ایشان در حواشی فراوان خود مطالب نویی دارند. مثلاً ایشان در روش رئالیسم مکرر این تعبیر را به کار می‌برند که ما تا ذهن را نشناسیم فلسفه نداریم چنین تعبیری تا پیش از ایشان سابقه ندارد و قابل بحث و بررسی است یا در بحث مواد ثلاث پس از تحریر و تقریری عمیق می‌فرمایند از این تقریر مشخص شد وجوب از وجود، امتناع از عدم و امکان از ماهیت می‌جوشد که با این بیان و تقریر تا پیش از ایشان کسی بحث نکرده است. پس شهید مطهری نوآوری‌هایی دارند؛ اما این نوآوری‌ها به سبب اینکه عمده نوآوری ایشان در تقریر درست و نوین مباحث فلسفی است. لابه‌لای حرف‌های ایشان گم شده است. جهت اطلاع عرض کنم آقای عبودیت اخیراً از آثار شهید مطهری (ره) یک دوره آموزش مباحث فلسفی را استخراج کرده‌اند که معتقدند بهترین کتاب برای آغاز مطالعه فلسفه است.

سؤال: اینکه فرمودید شهید مطهری (ره) مطالب و مباحث را به گونه‌ای تقریر کرده‌اند که همه‌فهم شده است آیا با این باور تناقض پیدا نمی‌کند که قدم‌گذاران در مسیر فلسفه برای همه مناسب نیست؟

پاسخ: این مربوط به زمان گذشته است. امروز سطح معلومات نسل جدید بالا رفته است. اتفاقاً یکی هنرهای که غربی‌ها به حق در زمینه انجام آن از ما جلوتر هستند، آسان‌سازی مطالب مشکل است و اصولاً نمادین‌سازی در فیزیک و ریاضیات همین هدف را دنبال می‌کند و با استفاده از آن می‌توانیم بیشترین اطلاعات را در کمترین زمان ممکن دریافت و تحلیل کنیم زمانی دکتر عمویی به‌عنوان نفر هفتم کمونیسم در جهان گفته بود ضربه‌ای که آقای مطهری (ره) و علامه طباطبایی (ره) با کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم به کمونیسم در ایران زدند باعث شد تا دوپست سال دیگر نیز کمونیسم نتواند در ایران قد علم کند! از سوی دیگر ذات برخی مباحث دشوار است و به هر زبانی نوشته شد این دشواری همراه آن است؛ مانند مسئله آمرین‌الأمین، فلسفه نیز حداقل در برخی بخش‌ها این‌گونه است. این نکته را هم عرض کنم شهید مطهری (ره) معتقد بودند مسائل علمی چهار دسته هستند: دسته‌ای هم تصور اطرافشان و هم تصدیق به نسبتشان مشکل است. دسته‌ای تصور اطراف و تصدیق به نسبتشان آسان است. دسته‌ای دیگر تصور اطرافشان آسان و تصدیق به نسبتشان دشوار است و دسته آخر تصور اطرافشان مشکل و تصدیق به نسبتشان آسان است و فلسفه از این دسته آخر است. ایشان می‌فرمودند: باید تلاش کرد تصور اطراف یک مسئله را تسهیل کرد. مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) نیز فرموده بودند: فلسفه باید از کلاس اول و پیش‌دبستانی آموخته شود و مطالب و مباحث فلسفی در سطح آنها آموزش داده شود ۲۲.

سؤال: آیا کودکان دبستانی و پیش‌دبستانی پذیرش و فهم فلسفه را دارند؟

پاسخ: مطالب و مباحث باید ترقیق و تلطیف شود. اگر قرار باشد همان حکمت متعالیه که در سطوح عالی تدریس می‌گردد در آنجا نیز آورده شود نه‌تنها قابل فهم نخواهد بود؛ بلکه چه‌بسا موجب انحراف شود؛ ولی اگر در قالب داستان و مثال تبیین شود کاملاً ممکن است.

فهرست منابع

۱. استاد جلال‌الدین آشتیانی در مجموعه چهارجلدی منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران به جمع‌آوری و گزینش آثاری از حکمایی چون میرداماد میرفندرسکی، ملا رجبعلی تبریزی، عبدالرزاق لاهیجی، آقا حسین خوانساری، ملاشمسا گیلانی، احمد علوی، محمد بن علیرضا بن آفاجانی، حسین تنکابنی، قوام‌الدین رازی، محمد رفیع پیرزاده، ملا محمدباقر سبزواری، قاضی سعید قمی، میرزا حسن لاهیجی، ملا نعیم طالقانی، بهاء‌الدین محمد اصفهانی و... پرداخته‌اند. سید حسین نصر نیز در کتاب "سنت عقلانی اسلامی در ایران" به شکلی دایره‌المعارف گونه افکار و آرای فلاسفه و شعرای ایرانی عالم اسلام را بررسی کرده است به‌ویژه فصل پنجم این کتاب را به فلسفه اسلامی متاخر اختصاص داده است.
۲. ابوالقاسم فندرسکی معروف به میرفندرسکی (ح) ۹۷۰-۱۰۵۰ ق، ۱۵۶۳ - ۱۶۴۰ م)، حکیم و دانشمند دوره صفوی و از استادان بنام مکتب اصفهان است که در دوران حیات نه تنها در حکمت و علوم رسمی بلکه در معارف الهی و سیر و سلوک عرفانی نیز دارای مقامی پس‌بلند بوده است. از آثاری که از او در دست است و نیز از روش و دیدگاه‌های فکری و فلسفی شاگردان او و تالیفات آنان معلوم می‌شود که میر در کار تعلیم از استادان حکمت مشاء بوده و کتب ابن سینا را تدریس می‌کرده است ولی ظاهراً که گاه از اشارات طعن آمیز و تعریضات تلخ درباره این سینا و خواجه نصیرالدین طوسی که هر دو از بزرگان این مکتب بوده‌اند خودداری نمی‌کرده است. مهم‌ترین اثر میر رساله فارسی معروف به «صناعیه» است که به عنوان "حقایق الصنایع" نیز شهرت دارد. وی در این رساله صنعت را به مفهومی بسیار گسترده و به معنی هر چیز که از قوای عاقله و عامله آدمی به ظهور و حصول پیوندد، گرفته است.
۳. ملا محسن فیض کاشانی حکیم فیلسوف، محدث و عارف دوره صفوی و از دانشمندان معروف شیعه است. فیض کاشانی عمر خود را صرف تعلیم تدریس و تألیف کرد. او پس از کسب معارف و استفاده علمی و معنوی از استادان بزرگ خود از جمله بزرگ‌ترین ایشان ملاصدرا نوشتن کتاب و رساله را از هجده‌سالگی آغاز نمود و در طی ۱۵ سال، نزدیک به ۲۰۰ جلد اثر نفیس در علوم و فنون مختلف تألیف کرد. از معروف‌ترین آثار او تفسیر صافی، محجّه البیضاء، اصول العقائد، اصول المعارف و مفاتیح الشرایع است.
۴. ملا عبدالرزاق یکی از عالمان و حکیمان متشرع عصر صفوی و داماد ملاصدرا بوده است. از مهم‌ترین تالیفات ایشان شرح تجرید الاعتقاد خواجه نصیرالدین طوسی به نام شوارق الالهام و گوهر مراد در مسائل کلامی به زبان فارسی است.
۵. آقا علی زنوزی مشهور به مدرس و حکیم مؤسس از حکمای قرن چهارده هجری قمری است. در فلسفه صرفاً به تقریر و تدریس آنچه گذشتگان گفته بودند نمی‌پرداخت، قریحه‌ای نقاد و ابتکاری و سعه فکر و روشی تحقیقی و تأسیسی و تخصص در کلمات ملاصدرا داشته و در جستجوی راه‌حل‌های تازه برای مشکلات فلسفه بود. وی بعد از رحلت آقا محمدرضا قمشه‌ای بزرگ‌ترین استاد زمان در حکمت متعالیه جای ایشان را گرفت و یک دوره اسفار او، ۲۴ سال طول کشید. از مهم‌ترین آثار ایشان بدایع الحکم و رساله‌ای به نام سبیل الرشاد فی اثبات المعاد، در اثبات معاد جسمانی است.
۶. ادراکات اعتباری نظریه ابتکاری علامه طباطبایی است که در آثاری چون رساله الاعتبارات رساله الانسان فی الدنيا، حاشیه بر کفایه اصول فلسفه و روش رئالیسم، مقاله ششم ادراکات اعتباری تفسیر شریف المیزان و کتاب نه‌ایه‌الحکمه، بیان و تبیین شده است. علوم و ادراکات اعتباری گرچه از جهانی با جهان واقع نسبت و ارتباط دارند منشأ هستی‌شناختی دارند. از خارج الگو می‌گیرند. در خارج عمل و تصرف می‌کنند به نتیجه خارجی نظر دارند؛ اما از خارج حکایت نمی‌کنند، بلکه مقام آنها مقام جعل و اعتبار و آفرینش و قرارداد و فرض است و از این جهت با استعاره مشابهت دارند. ضابطه و معیار علوم و ادراکات اعتباری این است: ۱. وابسته به قوای فعاله انسان است؛ ۲. در آنها «باید» یا «ضرورت» را بتوان لحاظ کرد. بنابر یک تقسیم‌بندی کلی که حضرت علامه طباطبایی (ره) در پایان مقاله ادراکات اعتباری اظهار می‌کند این نظریه دارای سه بخش است: کیفیت پیدایش علم اعتباری، کیفیت پیدایش کثرت در علوم اعتباری و کیفیت ارتباط علوم

ارتباطی با آثار واقعی و حقیقی؛ در یک تقسیم‌بندی دیگر علامه طباطبایی اعتباریات عقل نظری را به دو قسم تقسیم می‌کند: اعتبارات قبل از اجتماع و اعتبارات بعد از اجتماع که اعتباریات بعد از اجتماع مربوط به زندگی اجتماعی بشر بوده و موضوع علوم اجتماعی هستند.

۷. امکان تحقق یک پدیده به دو وجود در اصطلاح "اعاده معدوم" نامیده می‌شود. حکما و فلاسفه همگی اعاده معدوم را ممتنع دانسته‌اند لکن آن را ضمن امور عامه بحث کرده‌اند؛ چرا که از یک سو آن را با بحث معاد مرتبط نمی‌دانستند و از سوی دیگر بر اساس تقسیمات مباحث فلسفی اعاده مربوط به احکام وجود و عدم می‌شود. انگیزه فلاسفه از پرداختن به این مسئله، تبیین احکام وجود است و در هر حال چه این بحث به معاد مربوط باشد و چه نباشد، یکی از مهم‌ترین مباحث وجود و عدم است. بحث اعاده معدوم در عرفان تحت عنوان تکرار در وجود و تکرار در تجلی راه یافته است. ملاصدرا برای اولین بار این دو بحث را یکجا مطرح نموده و علامه نیز عنوان فصل را نیز از امتناع اعاده معدوم به لا تکرر فی الوجود تغییر داده و در نتیجه چهره فلسفی بحث را بهتر حفظ کرده است.

۸. شهید مطهری (ره) در این باره در کتاب شرح منظومه می‌گوید: این مطلب خیلی به ذهن سنگین می‌آید که انسان قبول کند ذوات و ماهیانی که در خارج هستند نوع دیگری وجود در عالم ذهن ما پیدا می‌کنند و انسان آن را نوعی مجاز می‌پندارد. اما اگر این مطلب را به صورت معکوس بگوییم تصورش آسان‌تر خواهد بود؛ یعنی اینکه بگوییم همین دنیایی که در خارج وجود دارد در ذهن ما وجود دیگری دارد... پس نمی‌گوییم آیا چیزی که در خارج هست همان در ذهن وجود دارد یا نه؟ می‌گوییم آیا چیزی که ما الان تصور کردیم در عالم عین وجود دارد؟ (شرح منظومه، ص ۲۱۳ - ۲۱۴).

۹. برای آشنایی بیشتر می‌توانید مراجعه کنید به عبدالرسول عبودیت، اصالت وجود؛ در این مقاله طرح مسئله اصالت وجود بر خلاف معهود، با توضیح اصطلاحات شروع نشده است؛ بلکه در ضمن دیالوگی فلسفی و بدون استفاده از اصطلاحات هم معنای اصالت وجود و اعتباریت ماهیت و هم دلیل صحت آن شرح داده شده است به طوری که اگر خواننده خود را به جای مخاطب قرار دهد و به اقتضای متن، ابتدا جواب گو و سپس اشکال کننده و پرسشگر باشد به راحتی می‌تواند عمق مطلب را دریابد.

۱۰. برای آشنایی با براهین ابتکاری آقا علی حکیم مراجعه کنید به محسن کدیور، غلامحسین ابراهیمی دینانی، ابتکارات هستی-شناختی حکیم مؤسس آقا علی مدرس طهرانی (مطالعه موردی مسئله اصالت وجود).

۱۱. مراجعه کنید به محمدعلی اردستانی، قاسمعلی کوچنانی، ابداعات فلسفی علامه طباطبایی، ص ۱۵۲ و ۱۵۳: محمدحسین طباطبایی، قضیه‌ای به نام موجهه سالبه المحمول.

۱۲. حکیم زنوزی برای حفظ تفاوت آخرت و برزخ، بدن اخروی را عیناً همان بدن دنیوی معرفی می‌کند؛ البته نه از باب اعاده معدوم که برخی از متکلمان می‌پنداشتند و نه از طریق بازگشت دوباره نفس از جایگاه روحانی و مجرد خویش به بدن دنیوی، که مستلزم محذور تناسخ است؛ بلکه به این صورت که ذرات بدن باقی مانده پس از مفارقت روح در اثر حرکت جوهری و تحولات وجودی ذاتی به درجه‌ای از کمال می‌رسند که شایسته اتحاد و اتصال با نفس می‌گردند؛ بی‌آنکه نفس از جایگاه خود فرود آید و به آن تعلق گیرد. به این ترتیب هم تفاوت دنیا و آخرت به حال خود باقی می‌ماند: چون نفس که از آخرت است، به دنیا باز نمی‌گردد و هم محذور تناسخ منتفی می‌گردد؛ زیرا بدن اخروی از همان ذرات بدن اصلی و در اثر تحول جوهری به جایگاه نفس می‌رسد و از آنجاکه ودایع و ویژگی‌هایی از نفس در این ذرات باقی مانده، تناسب بدن اخروی با نفس نیز محفوظ است. خود همین سنخیت نیز از تعلق نفسی دیگر به بدن اخروی ممانعت می‌کند و مشکل تعدد نفوس پیش نمی‌آید. (آقا علی مدرس زنوزی، مجموعه مصنفات حکیم مؤسس آقا علی مدرس، تحقیق و تصحیح محسن کدیور، ج ۲، ص ۹۳).

۱۳. با اندک تغییری؛ طبرسی، احمد بن علی، و موسوی خراسان، محمدباقر. ۱۴۰۳. الاحتجاج. ج ۲. مشهد مقدس - ایران: نشر المرتضی، ج ۲، ص ۳۵۰.

۱۴. طبرسی، احمد بن علی، و موسوی خراسان، محمدباقر. ۱۴۰۳. الاحتجاج. ج ۲. مشهد مقدس - ایران: نشر المرتضی، ج ۲، ص ۳۵۰.
۱۵. قضایای متعارف مشتمل بر دو عقد است یکی عقد الوضع و دیگری عقد الحمل؛ مفاد این نوع قضایا عبارت است از اینکه هر چیزی که وصف عنوانی موضوع بر آن صدق می‌کند محمول نیز بر آن صدق می‌کند به این معنا که محمول همان مصادیق را اختیار می‌کند که موضوع اختیار کرده است. اگر افراد محققه الوجودی داشته باشیم که وصف عنوانی موضوع بر آنها صدق کند قضیه بینه خواهد بود و اگر موضوع افراد محققه الوجودی نداشت و افراد موضوع تقدیری و فرضی بودند قضیه لابتیه خواهد بود. مراد از تقدیری چیزی است که معدوم ممتنع می‌باشد و برای آن نحوه وجودی فرض شده است؛ یعنی لابتیه قضیه‌ای است که افراد آن معدوم ممتنع الوجود می‌باشند و برای آنها فرض وجود شده است. تمام قضایایی که مانند «کل معدوم مطلقاً لا یخبر عنه» و «کل شریک الباری ممتنع» و «کل اجتماع النقیصتین محال» قضایای لابتیه هستند؛ یعنی قضایایی که وصف عنوانی موضوع با وصف عنوانی محمول آنها منافی با وجود افراد با ذات موضوع می‌باشد.
۱۶. بنابر آنکه تقابل فقر و غناء تقابل سلب و ایجاب باشد نه عدم و ملکه، هر چه غیر واجب الوجود فرض شود از آن جهت که غیر اوست به منزله شریک الباری بوده و ممتنع الوجود می‌باشد نه ممکن الوجود و تقسیم معروف «الموجود اما واجب و اما ممکن» ناتمام است. اگر چه ممکن به معنای فقیر باشد؛ بلکه باید گفت: الموجود هو الواجب و ما سواه وجهه و آیته، تا هر چه واجب نبود وجه او به شمار آید و آیه کریمه «فَأَيُّنَمَا تَوَلَّوْا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ» (سوره بقره، آیه ۱۱۵) به خوبی روشن گردد و کثرت جهان از سراب بودن به آیت شدن درآید و هستی منحصراً از آن حق سبحانه شود و هر چه غیر از هستی محض فرض شود وجه و ظهور او باشد به وجودی از او و این معنا دقیق‌تر از وجود رابط و ربط صرف است که نتیجه تشکیک عمیق و خاص می‌باشد؛ زیرا بنابر آن فرض، وجود ممکن حقیقتاً وجود بوده و از مراتب آن به شمار می‌رود. گرچه چیزی ندارد مگر ربط محض لیکن بر اساس وحدت شخصی، هر چه غیر از واجب فرض شود همانند صورت مرآتیه است که در عین آن که سراب نیست و آیت حقیقت است و در این آیت بودن همانند سراب باطل و کاذب نیست؛ ولی مرتبه‌ای از مراتب وجودی که صاحب صورت است نخواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۲۰۴).
۱۷. در واقع این مطلب تقریر علامه طباطبایی (ره) از برهان صدیقین است که روی اصل واقعیت بنا گردیده است. طوری که نه مانند تقریر ابن‌سینا مبتنی بر ماهیت است و نه مانند تقریر صدرالمآلهین اصول پذیرفته شده حکمت متعالیه در آن بکار رفته است. از این رو تقریر علامه طباطبایی از برهان صدیقین از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین نوآوری‌های فلسفی در عرصه فلسفه و خداشناسی است. برای آشنایی بیشتر می‌توانید به منابع زیر مراجعه کنید؛ علامه طباطبایی، اصول فلسفه و روش رئالیسم، ج ۵، ص ۱۱۵ - ۱۱۶؛ صدرالمآلهین، الحکمة المتعالیه، ص ۱۴-۱۵، حاشیه ش ۳.
۱۸. محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی الحکمة المتعالیه فی السفار العقلیه الربعه، ج ۳، ص ۳۹۲، پاورقی ش ۲.
۱۹. فلاسفه، معقولات ثانیه فلسفی را این‌طور تعریف کردند که مفاهیمی هستند که عروضشان در ذهن و اتصافشان در خارج از ذهن است. به این معنا که وجود فی‌نفسه آنها در ذهن است و وجود رابط آنها در خارج از ذهن حال در اینجا این سؤال بسیار مهم خودنمایی می‌کند در اینجا اشکالی پیش می‌آید که چطور ممکن است موضوع در خارج از ذهن باشد و محمول در ذهن و با این حال وجود رابط آنها در خارج از ذهن باشد؟ به بیان دیگر اولاً آیا امکان برقراری رابطه بین امر ذهنی و موجود خارجی در قالب قضیه هست یا نه؟ و ثانیاً چگونه ممکن است وجود رابط که تنها در موضوع و محمول موجود است در خارج از ذهن موجود باشد؛ اما یکی از دو طرف ربط (محمول) در ذهن باشد؛ باتوجه به این اشکال مهم مرحوم علامه طباطبایی (ره) می‌فرماید: معقولات ثانیه فلسفی باید حتماً سهمی از وجود در خارج از ذهن داشته باشند و نمی‌توانند

کاملاً ذهنی باشند؛ زیرا محال است بین امری کاملاً ذهنی و موجود خارجی وجود رابط محقق شود. این فرموده علامه طباطبایی با برخی از سخنان صدرالمتألهین در اسفار منطبق است. ایشان در جلد اول اسفار ص ۲۳۶ می‌فرمایند: حق آن است که اتصاف همان نسبت میان دو شیء است که در وجود متغایرنند و این نسبت در ظرف اتصاف است؛ بنابراین این که حکم کنیم تنها یکی از دو طرف اتصاف در ظرفی که اتصاف در آن تحقق دارد، وجود دارد سخنی بی‌دلیل است. مرحوم علامه طباطبایی در تعلیقه‌ای در ذیل همین کلام صدرالمتألهین در اسفار می‌فرمایند: هذا هو الحق الصریح الذی لا مریة فیہ، یعنی این همان کلام صریح و حقی است که تردیدی در صحت آن نیست؛ بنابراین باتوجه به سخنان فوق معقولات ثانیه فلسفی نیز به معقولات اولی باز می‌گردند. یعنی معقولات ثانیه فلسفی نیز هم عروضشان در خارج از ذهن است و هم اتصافشان.

۲۰. تفسیر ایشان به نظریه «اصالت وجود و عینیت ماهیت مشهور است. طبق این نظریه وجود و ماهیت هر دو واقعیت عینی دارند. این نظریه معتقد است رابطه بین وجود و ماهیت عینیت است؛ یعنی حیثیت ماهیت عین حیثیت وجود است و همان واقعیت خارجی که مصداق مفهوم وجود است، مصداق مفهوم ماهیت است و اگرچه مفهوم ماهیت و وجود با یکدیگر تباین دارند. در خارج هر یک از این دو مفهوم عین یکدیگر هستند و هیچ‌گونه تمایزی بین این دو نیست. بر اساس این نظریه وجود و ماهیت مساوق یکدیگر هستند و هر دو در خارج تحقق عینی دارند. این برخلاف نظر رایج است که مبتنی بر آن اصالت وجود تحقق بالذات وجود در متن واقع و اعتباریت ماهیت است و اگر وجود به ماهیت نسبت داده می‌شود مجازی و بالعرض است. جهت آشنایی بیشتر با نظریه بالا می‌توانید به منابع زیر مراجعه کنید: طباطبایی، محمدحسین، نه‌ایة‌الحکمة، تصحیح و تعلیق غلامرضا فیاضی، ج ۴؛ غلامرضا فیاضی اصالت وجود و عینیت ماهیت».

۲۱. جهت آشنایی بیشتر با نقد و نظر استاد عبودیت می‌توانید به منبع زیر مراجعه نمایید: عبدالرسول عبودیت، درآمدی به نظام حکمت صدرایی؛

۲۲. برای دسترسی به این بیانات مقام معظم رهبری می‌توانید به پیوند <https://khl.ink/f/23898> مراجعه بفرمایید.

برای مطالعه بیشتر

۱. آشتیانی، جلال‌الدین، منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران از عصر میرداماد و میرفندرسکی تا زمان حاضر، ۴ج، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۸.
۲. ارشد ریاحی، علی، خسروی فارسانی، محمد، تحلیل و نقد مدعای آقا علی مدرس در اصالت وجود، پژوهش‌های هستی‌شناختی، ش ۳، ۱۳۹۲.
۳. نصر، سید حسین، سنت عقلانی اسلام در ایران، ترجمه سعید دهقانی، قصیده سرا، تهران، ۱۳۸۴.
۴. اکبریان، رضا، عارفی شیرازی، محمداسحاق، معاد جسمانی از نظر آقا علی مدرس زنوزی و علامه طباطبایی، آموزه‌های فلسفه اسلامی، ش ۹، ۱۳۸۹.
۵. نبویان، سید محمود، چیستی اعتبار نزد علامه طباطبایی، معرفت فلسفی، ش ۳۴، زمستان، ۱۳۹۰.
۶. رکنی، محمدتقی، اعتباریات از دیدگاه علامه طباطبایی، مریان، ش ۱۸، ۱۳۸۴.
۷. معلمی، حسن، تأملی در یک برهان (بررسی برهان علامه طباطبایی بر واجب بودن اصل واقعیت)، معارف عقلی، ش ۶، ۱۳۸۶.
۸. گرجیان، محمدمهدی، رودگر، نرگس، سه اقلیم بدن بررسی مقایسه‌ای معاد جسمانی از دیدگاه صدرالمتهین و آقا علی حکیم مدرس زنوزی، قیسات، ش ۵۸، ۱۳۸۹.
۹. جنگی آشتیانی، مه‌ری، معاد جسمانی از دیدگاه مدرس زنوزی، اندیشه دینی، ش ۴۳، ۱۳۹۱.
۱۰. کیاشمشکی، ابوالفضل، تحلیل انتقادی دیدگاه مدرس زنوزی درباره معاد جسمانی، پژوهش‌نامه فلسفه دین، ش ۲۱، ۱۳۹۲.
۱۱. کدیور، محسن، ژرف اندیشی‌های حکیم مؤسس در اسفار صدرالمتهین، نامه مفید، ش ۱۰، ۱۳۷۶.
۱۲. عینیت وجود و ماهیت، مصاحبه با غلامرضا فیاضی، کتاب نقد، ش ۳۵، ۱۳۸۴.
۱۳. عبودیت، عبدالرسول، اصالت وجود، معرفت فلسفی، ش ۱ و ۲، ۱۳۸۲.

فهرست مراجع

۱. اردستانی، محمدعلی، کوچنانی، قاسمعلی، ابداعات فلسفی علامه طباطبایی، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۸.
۲. صدر المتألهین، الحکمة المتعالیه، انتشارات اعلمی، بیروت.
۳. طباطبایی، محمد حسین، نه‌ایة الحکمة، تصحیح و تعلیق غلامرضا فیاضی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ج ۴، ۱۳۸۰.
۴. قضیه‌ای به نام موجهه سالبه المحمول، مجله ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ش ۵، پاییز، ۱۳۶۰.
۵. اصول فلسفه و روش رئالیسم، ج ۵، ۱۳۷۴ ش.
۶. طبرسی، احمد بن علی، و موسوی خراسان، محمدباقر. ۱۴۰۳. الاحتجاج. ۲ ج. مشهد مقدس - ایران: نشر المرتضی.
۷. عبودیت، عبدالرسول، درآمدی به نظام حکمت صدرایی، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۵.
۸. فیاضی، غلامرضا، اصالت وجود و عینیت ماهیت، پژوهش و حوزه، ش ۱، بهار ۱۳۷۹.
۹. کدیور، محسن، ابراهیمی دینانی، غلامحسین، ابتکارات هستی‌شناختی حکیم مؤسس آقا علی مدرس طهرانی (مطالعه موردی مسئله اصالت وجود)، مدرس علوم انسانی، ش ۱۳، ۱۳۷۸.
۱۰. مدرس زنوزی، آقا علی، مجموعه مصنفات حکیم مؤسس آقا علی مدرس، تحقیق و تصحیح محسن کدیور، اطلاعات، تهران، ۱۳۷۸.
۱۱. www.hadizade.persianblog.ir.
۱۲. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای. WWW.KHAMENEI.IR.